

## Welfare State and Hybrid Geopolitical Aspects of Development in the Nordic Countries

**Ehsan Mozdkhah** PhD Student in Political Science, Department of Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran. E-mail: [Eh.mozdkhah@mail.um.ac.ir](mailto:Eh.mozdkhah@mail.um.ac.ir)

**Somaye Hamidi** *Corresponding Author*, Associate Professor, Political Science Department, Birjand University, Birjand, Iran. E-mail: [Somaye.hamidi@birjand.ac.ir](mailto:Somaye.hamidi@birjand.ac.ir)

### Article Info

#### Article Type:

Reserch Article

#### Keywords:

Development,  
Social Traditions,  
Welfare State,  
Nordic.

### ABSTRACT

At the core of Nordic development lies a combination of social welfare policies and the provision of appropriate social services by the government. The aim of this research is to understand the development model in the Nordic countries based on a hybrid-regional logic. The central question of the current study is: what are the characteristics of the Nordic hybrid development model, and what logic of development has it provided for the Scandinavian region? In addressing the main question, the paper utilizes a qualitative-descriptive method within the framework of economic sociology, examining the social logic of development in the Nordic region. It analyzes the main features of the hybrid development models in this region, which include the Nordic welfare state model, the political economy of quality governance, knowledge-based services, and Nordic foreign policy. The foundation of development in the Nordic region is the meaningful creation of a normal and quality life in the material world. For the Nordics, development is a social lifestyle meant for better well-being, which has led to the positive reputation of these countries in the international system and has linked the name and brand of this region with development.

**Cite this Article:** Mozdkhah, E., & Hamidi, S. (2024). Welfare State and Hybrid Geopolitical Aspects of Development in the Nordic Countries. *International Relations Researches*, 14(1), 7-33 doi: 10.22034/irr.2024.434674.2494



© Author(s)

**Publisher:** Iranian International Studies Association

**DOI:** 10.22034/irr.2024.434674.2494



## دولت رفاهی و بر ساخت هایبریدی – ژئوپلیتیکی امر توسعه در کشورهای منطقه نوردیک

احسان مزدخواه دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه:

Eh.mozdkhah@mail.um.ac.ir

سمیه حمیدی نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

Somaye.hamidi@birjand.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
<b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی	دولت رفاهی نوردیک به دلیل دارا بودن الگویی خاص از توسعه و نوسازی عموماً مورد توجه متفکران قرار گرفته است. بنیان توسعه در نوردیک ترکیبی از سیاستهای اجتماعی – رفاهی و تأمین خدمات اجتماعی مناسب توسط دولت است. هدف این پژوهش فهم مدل توسعه در کشورهای نوردیک بر مبنای یک منطق ترکیبی ناحیه‌ای است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که مدل توسعه هایبریدی (ترکیبی) نوردیکی دارای چه ویژگی‌هایی است و این الگو چه منطقی از توسعه را برای کشورهای حوزه اسکاندیناوی فراهم آورده است؟ در پاسخ به پرسش اصلی، مقاله از طریق روش کیفی – توصیفی و با چارچوب جامعه‌شناسی اقتصادی، ضمن بررسی منطق اجتماعی امر توسعه در منطقه نوردیک، ویژگی‌های اصلی مدل هایبریدی توسعه در این منطقه را که شامل مدل رفاهی دولت نوردیک، پیوند سنت‌های اجتماعی با امر توسعه، ساخت اقتصادی و سیاست‌خارجی نوردیکی است، تجزیه و تحلیل می‌کند. بنیان توسعه در منطقه نوردیک معنا سازی زندگی عادی و با کیفیت در جهان مادی است. برای نوردیک‌ها، توسعه نوعی سبک زندگی اجتماعی برای بهزیستی بهتر است که باعث شهرت مثبت این کشورها در نظام بین الملل و پیوند نام و برند این منطقه با توسعه شده است.
<b>کلیدواژه‌ها:</b> توسعه، سنت‌های اجتماعی، دولت رفاه، نوردیک	
<b>تاریخچه مقاله</b> تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۴	

**استناد به این مقاله:** مزدخواه، احسان، & حمیدی، سمیه. (۱۴۰۳). دولت رفاهی و بر ساخت هایبریدی – ژئوپلیتیکی امر توسعه در کشورهای

منطقه نوردیک. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴(۱)، ۷-۳۳. doi: 10.22034/irr.2024.434674.2494.

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





مدل توسعه کشورهای شمال اروپا به واسطه اثرپذیری از سنت‌های اجتماعی در جهان کنونی تبدیل به یک برند شده است. تصدیق و توجه به مدل حکمرانی سوسیال - دموکراتیک، با توجه به تاثیرات گسترده اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی صورت‌بندی جدیدی از توسعه‌یافتگی در منطقه را نوردیک موجب شده است. با این حال، تلفیق آرمان‌های سوسیالیستی و روح سرمایه‌داری، خلاقیت در حکمرانی و تجارت، مدل دولت رفاهی نوردیکی<sup>۱</sup> را فراهم آورده است. ساخت اجتماعی و ثبات سیاسی، این دولت‌ها را قادر ساخته تا از این دستامد اقتصادی (ثروت) و مدل سیاسی توسعه‌یافتگی (قدرت) به عنوان الگوی ترکیبی (هایبریدی) از توسعه رونمایی کنند. دولت‌های رفاهی شمال اروپا در ژئوپلیتیک اسکاندیناوی با دارا بودن یک نظام اجتماعی برخوردار از رفاه، تأمین خدمات اجتماعی - همگانی و در عین حال مالیات ستانی سخت‌گیرانه و سازوکارهای امنیت برای شهروندان از جمله مناطق توسعه‌یافته در جهان هستند. این سنت‌های زیستی در حوزه‌های فکری، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی در منطقه نوردیک به عنوان مولفه‌های سازنده و تعیین‌کننده امر توسعه در الگوی اسکاندیناوی محسوب می‌شوند.

الگوی توسعه اسکاندیناوی توانسته است در کنار دستیابی به اعتماد جهانی، ساخت سیاسی - اقتصادی را به عنوان مدل جدید توسعه یافتگی معرفی نماید و به همین دلیل تبدیل به مدلی خاص از تصویرسازی<sup>۲</sup> توسعه‌گرایانه، مدرن‌شدگی و برچسب‌گذاری<sup>۳</sup> در قالب دولت رفاهی شده است. کشورهای رفاهی اسکاندیناوی از مقوله برندینگ ملت<sup>۴</sup> به عنوان یک نشان، نگاه مثبتی<sup>۵</sup> در نظام بین‌الملل برای خود ایجاد کرده‌اند. نشان ملی نوردیک که اساساً در قالب شرکت‌های تولیدی مانند نوکیا<sup>۶</sup>، ایکیا<sup>۷</sup>، ولوو<sup>۸</sup> و ... تجلی یافته در گستره جهانی به لحاظ کیفیت، پذیرش و اعتماد عمومی از اضلاع توسعه ترکیبی آنان محسوب می‌شود. سطح بالای نهادمندی در کشورهای نوردیک به عنوان دو بال توسعه هیبریدی یعنی قانون و نهادها<sup>۹</sup> که تجلی آن در جنبش‌های مدافع اقلیت‌ها، حقوق مذاهب، آزادی مذهبی، برابری جنیستی، توجه

<sup>1</sup> welfare state

<sup>2</sup> Imaging

<sup>3</sup> Labeling

<sup>4</sup> Nation - Branding

<sup>5</sup> Positive Perspective

<sup>6</sup> Nokia

<sup>7</sup> IKEA

<sup>8</sup> Volvo

<sup>9</sup> Constitution & Institution



به محیط زیست، نهادهای حکمرانی با کیفیت بالا، رضایت همگانی از حکمرانی سیاسی و توجه به نظام خانواده به برندشدگی این کشورها در سطح اروپا و جهان کمک کرده است. به طور مثال اخباری مبنی بر اینکه صاحب قدرتی با دوچرخه در یکی از این کشورها به محل کار می‌رود، نشان دهنده انسجام سیاسی - اجتماعی، حاکمیت قانون، نهادمندی سیاسی توسعه یافته و تطبیق‌پذیری عرصه قدرت با اجتماع است. اقتصاد مدل نوردیکی در انزوا و به‌دور از تغییرات سایر نقاط جهان توسعه نیافت بلکه وابستگی بسیار بالایی به اقتصاد سیاسی بین الملل دارد. کشورهای کوچک نوردیک دارای اقتصادهایی نسبتاً باز و آسیب‌پذیر نسبت به نوسانات، آشوب‌ها و بحران‌ها در اقتصاد جهانی هستند که سیستم مقررات اجتماعی ملی خود را به سبک مشارکتی دموکراتیک ساخته‌اند. کشورهای نوردیک ثابت کرده‌اند که اقتصاد بین‌الملل می‌تواند شالوده و مفاد مؤسسات دولتی ملی ایشان را تقویت کند. اقتصاد ملی به لحاظ ایدئولوژیک، مفهومی کاملاً مهم و قابل توجه در کشورهای نوردیک به شمار می‌آید. با توجه به مطالب گفته شده، پرسش اساسی پژوهش این است که مدل توسعه هایبرییدی (ترکیبی) نوردیک دارای چه اصولی است و این الگو چه منطقی از توسعه را برای کشورهای حوزه اسکاندیناوی فراهم آورده است؟ مقاله ابتدا از طریق چارچوب‌های تحلیلی جامعه‌شناسی اقتصادی، مدل ترکیبی منطق توسعه منطقه نوردیک را تحلیل می‌کند و سپس به تبیین ویژگی‌های اصلی این مدل در منطقه نوردیک می‌پردازد.

#### ۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با ادبیات پژوهشی منطقه نوردیک باید بیان کرد که تاکنون مقالات ارزشمندی به رشته نگارش درآمده است که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود و در انتها نوآوری و تفاوت این کار به دیگر آثار این حوزه بیان می‌گردد. رحمتی، رضا (۱۴۰۰). در مقاله‌ای تحت عنوان «حک شدگی: چارچوبی برای روابط چین-نوردیک» بیان می‌کند که منطقه نوردیک و کشورهايش به دلیل ضرورت در افزایش میزان سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی و به نوعی متنوع‌سازی امر مدرنیزاسیون با کشورهای درحال توسعه و تحول سیستم اتحاد - ائتلافی را شکل می‌دهد تا در عصر پیچیدگی ارتباطی میان کشورهای، الگویی جدید را از توسعه و ارتباطات بین‌المللی به نمایش گذارد. شیرخانی، محمدعلی و چشم‌علایی، مهرداد (۱۳۹۰). در پژوهشی به نام «مدل نوردیک و دولت‌های رفاهی اروپا» اشاره می‌کنند که تجربیات دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در طرح و اجرای سیاست‌های تأمین اجتماعی، عمدتاً در قالب چهار مدل اصلی با نام‌های مدل آنگلوساکسون، مدل کانتینتال، مدل مدیترانه‌ای (یا جنوبی) و مدل نوردیک بوده که از این میان مدل نوردیکی از تحمیل کم‌ترین هزینه به منابع بخش عمومی قادر به تأمین سطحی از رفاه



و عدالت اجتماعی برای مردم ساکن در کشورهای نوردیک بوده که از نظر کیفیت هم طراز با مدل تأمین اجتماعی بسیار پرهزینه‌تر کانیتال است و به نوعی الگویی نوین و جدید از توسعه اجتماعی در این منطقه است. رحمتی، رضا (۱۴۰۲). در مقاله به نام «تأثیر اروپاگرایی بر همگرایی اروپایی در نوردیک» اشاره می‌کند که گرایش‌های یوروسپتیک در سه سطح نظام اجتماعی، نظام سیاسی و نظام حزبی، در نوردیک‌ها به طور کلی و در نروژ، ایسلند، سوئد، دانمارک و فنلاند، صورت‌بندی شده که مسیری نوین‌تری را در مقایسه با دیگر کشورهای اروپا در جریان توسعه جهانی به پیش گرفته‌اند. بیدالله‌خانی، آرش (۱۳۹۹). در پژوهشی تحت عنوان «هستی‌شناسی امنیتی - توسعه محور گرایش نوردیک در سیاست خارجی سوئد». اشاره می‌کند که منطقه نوردیک از منظر جغرافیای امنیتی محیط اسکاندیناوی و منطقه شمال اروپا را شامل می‌شود. در چشم‌انداز سیاسی و توسعه‌ای، اتحادیه نوردیک شامل کشورهای شمالی اروپا از جمله سوئد، نروژ، دانمارک، فنلاند و ایسلند می‌باشد. اداراک نوردیکی بودن (شمالی بودن) مفاهیم و ساخت بندی‌های امنیتی - توسعه‌ای را بر ساختار سیاستگذاری داخلی و خارجی کشورهای داخل این منطقه بار می‌کند به همین امر سیاست‌خارجی در این کشورها با تاکید بر سوئد همواره از ساخت اجتماعی آنان سرچشمه می‌گیرد و بر توسعه‌گرایی آنان اثرگذار است.

رحمتی، رضا (۱۴۰۱). در مقاله‌ای به نام «دولت‌های کوچک نوردیک؛ سیاست‌های امنیتی در پرتو گذارهای محیط بین‌الملل». این پرسش اساسی را مطرح می‌کند که دولت‌های کوچک نوردیک، چگونه سیاست‌های امنیتی خود را در پرتو گذارهای امنیتی بین‌المللی طراحی کرده‌اند؟ پاسخ به این پرسش در قالب بازنمایی استراتژی‌های نوردیکی در چارچوب پناه گاه امن، بی طرفی، اتحادها، دنباله روی، استراتژی موازنه سازی و پوشش خطر (ریسک) در محیط امنیتی نظام بین‌الملل می‌باشد که به نوعی نشانی از اثرگذاری سیاست‌خارجی این کشورها در جریان برنندینگ ملی - جهانی و توسعه آنان در جهان دارد. درک موضوع دولت رفاهی و برساخت‌های هایبریدی-ژئوپلیتیکی امر توسعه در کشورهای منطقه نوردیک نیازمند تحلیلی چندوجهی است که شامل درک مفهوم دولت رفاهی و خصوصیات منحصر به فرد منطقه نوردیک می‌شود. در باب نوآوری این پژوهش باید بیان داشت که مدل‌های توسعه‌ای هایبریدی به تحلیل چگونگی تلفیق مدل‌های دولت رفاهی با سایر مدل‌های توسعه‌ای و ارائه مدل‌های نوین هایبریدی که می‌توانند به عنوان الگو برای سایر کشورها عمل کنند می‌باشد.

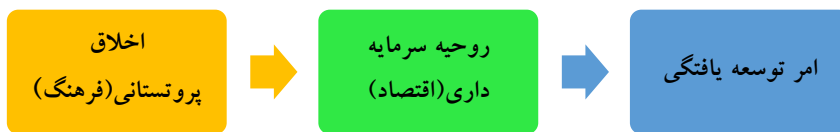


## ۲. رهیافت مفهومی

### ۲-۱. توسعه در آینه جامعه‌شناسی اقتصادی؛ دولت رفاه، فرهنگ و مدرنیزاسیون

اهمیت سنت‌های اجتماعی، الگوهای ارزش‌محورانه و در یک کلام فرهنگ در توسعه اقتصادی و باز معماری دولت رفاه در علوم اجتماعی و علوم سیاسی دیرنگامی است که مورد واکاوی نظری قرار گرفته است. شاید بتوان شروع این بررسی‌های تحلیلی مربوط به اثرگذاری مولفه‌های فرهنگی بر متغیرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و به بیان دیگر روندهای مدرنیزاسیون و توسعه را در ارزیابی‌های علمی ماکس وبر<sup>۱</sup> بدست آورد (Martela and et al., 2020; Solesvik, 2017; Wu and et al., 2023) وبر در کتاب خود با عنوان اخلاق پروتستانی روح سرمایه‌داری این مورد را به رشته نگارش در آورد و بیان نمود که تأثیر اخلاق خاص پروتستانی و مولفه‌های مرتبط با آن یعنی کار و رسالت‌هایی چون فعالیت، بهره‌وری، کیفیت و میزان حکمرانی و تأثیری که بر روحیه سرمایه‌داری یعنی افزایش میزان تولید، نوع خاص از مصرف و الگوهای توزیع اقتصادی را در نظم اجتماعی (جامعه) به نمایش می‌گذارد که این گفته وبر، بستری تاریخ‌گرا از توسعه‌یافتگی و مدرنیزاسیون اجتماعی - سیاسی است. به بیان دیگر، همزمانی اخلاق پروتستانی (فرهنگ) با روحیه سرمایه‌داری (اقتصاد) در توسعه اقتصادی و تغییر مدل دولت و نظم حکمرانی که تجلی آن دولت رفاهی است بسیار مورد توجه است و خود مولفه‌ای برای ارزیابی شاخص‌های توسعه‌یافتگی می‌باشد (Swedberg, 2018).

شکل (۱) پروسه تغییر دولت و مقوله حکمرانی (منبع: نگارندگان)



اسم‌سلسر در باب جامعه‌شناسی اقتصادی، درهم‌تنیدگی اقتصاد، سیاست، حقوق، اجتماع (خویشاوندی) و مذهب را مورد مطالعه قرار می‌دهد که اساساً این نوع از بررسی توسط اسم‌سلسر به مطالعه روابط میان اقتصاد با اجتماع به عنوان یک نظام تحلیلی و دیگر نظام‌های اجتماعی است (اسم‌سلسر، ۱۳۹۵: ۱۳۱) که به باور وی جامعه‌شناسی اقتصادی، موضوع بسیار مهم در منظومه فکری - نظری این حوزه است و در این چارچوب متغیرهای فرهنگی دارای دو وجه ارزشی<sup>۲</sup> و وجودی<sup>۳</sup> هستند. منظور از وجه ارزش‌گرا

<sup>1</sup> Max Webber

<sup>2</sup> Evolutional

<sup>3</sup> Existential



این است که سیستم اجتماعی آن چیزی را مطلوب می‌پندارد که اعضای جامعه (ملت) از آن پیروی کنند و وجه وجودی به چیستی چیزها یعنی بشر<sup>۱</sup>، جامعه<sup>۲</sup> و طبیعت<sup>۳</sup> توجه فراوان دارد (اسملسر، ۱۳۹۵: ۱۵۲). در این سبکل مطالعاتی، الگوهای ارزش‌گرایانه و فرهنگ‌محور توسعه اقتصادی، در صورت‌بندی دولت‌های رفاهی نقش مهمی دارند (سوئدبرگ، ۱۳۹۵؛ رحمتی، ۱۳۹۹).

این بیان از سوئدبرگ را می‌توان این گونه در بوته فهم کاشت که از جمله دلایل ابراز خصومت اجتماعی نسبت به اقدامات رفاهی دولت در ایالات متحده آمریکا چه بوده که مهمترین پاسخ به این پرسش مسئله موفقیت در کار است؛ زیرا برقرار شدن فعالیت‌های رفاهی باید به معنای دستیابی به منافع مادی (پاداش – تسهیلات) از مجرای فعالیت و یا کار باشد. یکی از مسائل جالب در مورد فعالیت‌های رفاهی در آمریکا بر خلاف کشورهای اروپایی مانند دولت‌های حوزه نوردیک که رفاه دولتی یک امر پذیرفته‌شده و قابل قبول است این مسئله است که فعالیت‌ها باید برابری در فرصت‌ها را برای تمامی افراد جامعه تسهیل سازد (Greve, 2014: 50-53). حال باز می‌گردیم به این پرسش که چرا جوامع نسبت به یکدیگر، تفاوت‌های کارکردی دارند؟ در پاسخ باید بیان داشت، روحیه کار، تلاش بیشتر و عزم جدی در توسعه از جمله مولفه‌های مهم در تفاوت میان جوامع است که به ساختارهای اجتماعی آنان مربوط است که اساساً بخشی از این ساختارها ریشه در سازه‌های اجتماعی، روحیات روان‌شناختی، انباشت‌های تاریخی و الگوهای فرهنگی دارد. به بیان دیگر، روابط متقابل میان دولت، بازار، ارزش‌های اقتصادی در قالب امتیازات مادی و نهاد خانواده در مدل دولت رفاهی نوردیک، از جمله مبانی توسعه‌یافتگی در این منطقه است.

---

<sup>1</sup> Human

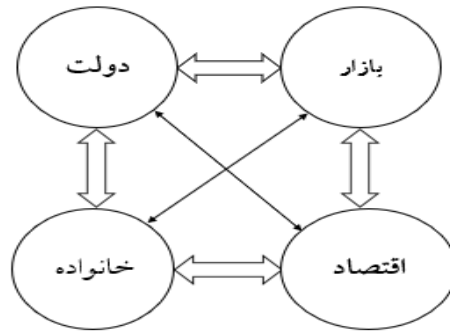
<sup>2</sup> Society

<sup>3</sup> Nature





شکل ۲) مدل مفهومی جامعه‌شناسی اقتصادی (منبع: نگارندگان)



وجود کهن الگوهای تاریخی - ارزشی مانند عزم راسخ برای توسعه و یا در نظم اقتصادی مسائلی چون انضباط مالی و یا کیفیت بالای حکمرانی اقتصادی از جمله محرک‌های توسعه اقتصادی و پدیدارشدن دولت‌های رفاهی محسوب می‌شوند. در یک چنین چشم‌اندازی، روندهای اجتماعی متشکل از نگرش آن جامعه نسبت به پیرامون و فراییرامون، عقلانیت اجتماعی، برابری، حاکمیت قانون، نظم‌پذیری و انضباط جمعی، مسیر پیشرفت و توسعه است (Maurer, 2021: 55). این جایگاه و بستر تاریخی که به وسیله طبقات اجتماعی به جهان منتقل شده است منجر به تحول در الگوهای توسعه اقتصادی گردید و عملاً مقوله حک‌شدگی برای فهم توسعه یعنی فهم الگوهای هنجاری و ارجحیت آنان بر ساختار اقتصادی را مطرح می‌سازد (رحمتی، ۱۳۹۹).

## ۲. «حک‌شدگی»: منطقی برای فهم پدیدار شدن دولت‌های رفاهی

جامعه‌شناسی اقتصادی در مأموریت خود به تحلیل اثرات اجتماعی در اقتصاد می‌پردازد و منحصرأ به تأثیر کارکردهای جامعه‌شناختی بر پدیده‌های اقتصادی توجه دارد. در این راستا دولت‌ها بر یکسان‌پنداری، عقلانی بودن اقتصاد و ثابت‌بودن حوزه اقتصاد در تمامی جوامع توجه می‌کنند و بر این عقیده هستند که در حل چالش‌ها و معضلات باید بر نقش ترجیحات اجتماعی در مناسبات اقتصادی توجه کرد (اسملسر و سوئدبرگ، ۲۶۵). الگوهای کنش متقابل اجتماعی و نهادسازی‌هایی که مردم صورت می‌دهند؛ به منظور تأمین منافع و زیست بهتر به منظور توسعه را فراهم می‌آورند. حک‌شدگی از مفاهیم و مولفه‌های جامعه‌شناسی اقتصادی و فهم امر توسعه است. این مفهوم بیان می‌دارد که کنشگران اقتصادی، فعالیت‌های خود را در یک شبکه پیچیده از روابط اجتماعی با دیگران تعریف می‌کنند. در



حک‌شدگی، ضمن پدیدارشدن کیفیت عینی در روابط اجتماعی، تقریباً مردم این تعامل را امری بدیهی تلقی می‌کنند که در قالب بسیج منابع برای کنش جمعی است؛ منطقی که در دولت‌های رفاهی از جمله کشورهای نوردیک به چشم می‌خورد. چسبندگی مولفه‌های اقتصادی به زمینه‌های اجتماعی و دلالت حک‌شدگی بر آن بدین معناست که در چنین وضعیتی افراد و کنش‌های آن‌ها به متن اجتماعی متصل شده است و کنش‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی به محیط اجتماعی پیرامون و فراپیرامون وابسته و در صورت‌بندی دولت‌های رفاهی نقش دارند (Hass, 2007: 211; رحمتی، ۱۴۰۰). امروزه کشورهای توسعه‌یافته نوعی از رفاه را برای همگان در سطوح سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی فراهم می‌آورند (Wincott, 2011; Beckert, 2003). در باب تعریف دولت رفاه باید بیان داشت که تبیین و تعریف این مفهوم پرمناقشه است که شاید مهمترین دلیل برای این امر تنوع تجربی دولت‌های رفاهی در سطح جهان است که مخرج مشترک این نوع از سیستم‌های سیاسی را با دشواری همراه می‌کند (Swedberg, 2018; Schubert et al, 2016). علیرغم تنوع تجربی دولت‌های رفاهی باید بیان داشت که این مجموعه شیوه‌های خاصی از اعمال قدرت در چارچوب نهادهایی خاص و همچنین تکنیک‌های حکمرانی ویژه‌ای برای توسعه‌یافتگی و زندگی در سایه توسعه و آسایش است (Garland, 2016: 6). تمامی محققان بر این واقعیت تکیه کرده‌اند که بهبود سیاست‌های بازار کار، مراقبت‌های بهداشتی، کیفیت بالای نهادمندی سیاسی - اقتصادی، حاکمیت قانون، کمک‌های اجتماعی در سطح جامعه و توجه به مقوله آموزش و پرورش از جمله فعالیت‌های دولت رفاهی است (Barr, 2020: 121).

### ۳. مدل دولت رفاهی "نوردیک" در پیوند با سنت‌های اجتماعی

کشورهای شمال اروپا به دلیل وضعیت رفاهی مناسب و سطح پایین نابرابری به عنوان مدل و الگویی جدید از دولت رفاه هستند که خود آن منطقی جدید برای فهم توسعه‌یافتگی می‌باشد. اکثر نظریه‌پردازان توسعه و مدرنیزاسیون موافق این امر هستند که کشورهای شمال اروپا دارای تعدادی از ویژگی‌های مشترک‌اند که نشئت گرفته از سنت‌های اجتماعی آنان از جمله برابری، آزادی، بهره‌وری و همبستگی است که آنان را به عنوان مدل رفاهی نوردیک<sup>۱</sup> با مجموعه‌ای از سیاست‌ها، اهداف و نتایج مشخص بازشناسی کرده است. مجموعه دولت رفاه نوردیک ریشه در روح سرمایه‌داری، یوتویپای سوسیالیستی و حکمرانی خوب دارد (Kangas and Kvist, 2018: 136). مدل شمالی دولت رفاه، بر سه اصل تأمین

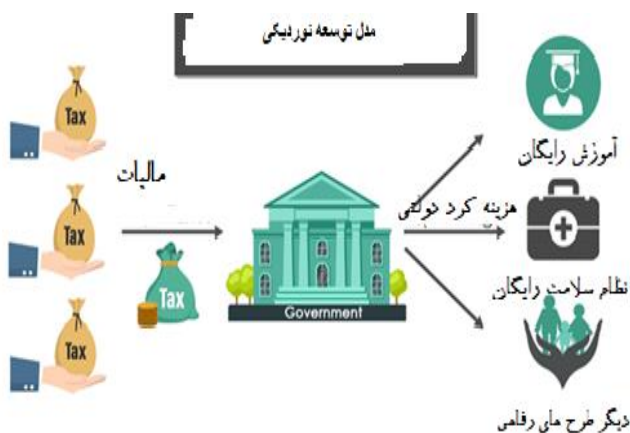
<sup>1</sup>The Nordic Welfare



اجتماعی فراگیر، برابری در حوزه درآمدی و ثروت اجتماعی ناشی شده از بازتوزیع درآمدها، مالیات‌ها و همچنین نبود فقر و بیکاری پایه‌ریزی شده است. الگوی شمالی توسعه همواره به معنای یافتن راه سومی بوده که مسیری متفاوت از کمونیسیم و لیبرالیسم برای توسعه به نمایش گذارد. کشورهای شمال اروپا دانمارک، نروژ، سوئد، فنلاند و ایسلند در بسیاری از معیارها همچون آموزش، سلامت، رفاه، برابری، احساس شادکامی، جزء برترین دولت - ملت‌ها بوده‌اند که مدلی جدید از دولت رفاهی است. در کنار این مسائل، صرف وجود سیستم سوسیال دموکراسی و دولت‌رفاهی عامل پایداری و موفقیت این دولت - کشورها نیست بلکه جغرافیای ویژه منطقه نوردیک، جمعیت همگون، وضعیت قومیتی یکدست مانع از تراکم جمعیتی - نسلی و فکری در این منطقه شده است که خود عاملی برای موفقیت دولت رفاهی و پایداری مدل نوردیکی از توسعه می‌باشد (مردی‌ها، ۱۳۹۸: ۴۶-۴۵).

دیدگاه دیگر در مورد مسئله دولت رفاهی نوردیک آن است که ماهیت مصالح اجتماعی در این منطقه باعث رشد اقتصادی شده؛ به طوری که سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی اثرات زیان‌بار رکود اقتصادی را کاهش داده و رفتارهای اقتصادی مولد و دریافت مالیات از جامعه و هزینه آن برای توسعه در بسترهای آموزشی، سلامت و دیگر طرح‌های رفاهی تهدیدات اجتماعی را به فرصت و پایداری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل کرده است.

### شکل ۳) مدل رفاهی نوردیک



(منبع: <https://www.wallstreetmojo.com/nordic-model>)



سنت برابری در کشورهای نوردیک مشترک بوده چون ریشه آن را می‌توان در روح سرمایه‌داری دانست. در ارتباط با دومین سنت نوردیکی یعنی آزادی باید بیان کرد که این متغیر به صورت یک امر شمول‌گرا در کشورهایی که جنبش کارگری دموکراتیک دارند به ظهور رسیده است. ارزش فرهنگی سوم در مدل رفاهی نوردیک اصلاح کارمزد صنعتی برای جامعه دهقانی استقلال‌یافته بود. در ارتباط با سنت چهارم باید بیان کرد که اصلاح نگرش‌های سیاسی ضمن ایجاد برابری، به بهره‌وری و همبستگی منجر شده است و نهایتاً رژیم‌های رفاهی سوسیال دموکراتیک به عنوان مدل رفاهی نوردیکی پدیدار شدند. الگوی توسعه‌گرایی و مدرنیزاسیون کشورهای نوردیک بر پایه مدل نهادگرایانه<sup>۱</sup> است؛ یعنی بسیاری از وظایف در بستر اجتماعی به وسیله بازار و خانواده نهادینه و پیگیری می‌شود. در مقابل مدل نهادی، الگوی پیشین قرار دارد که در آن دولت در آخرین مرحله تأمین کننده رفاه خواهد بود (Kangas and Kvist, 2018: 225 & Titmuss, 2019).

### ۳-۱. مسیر توسعه نوردیک؛ سنت اجتماعی و مدرنیزاسیون شمالی

یکی از اشکال توسعه در نوردیک آن است که سیاست‌های اجتماعی توسط شهرداری‌ها مدیریت می‌شود؛ بدین صورت که این نهاد بتدریج مسئول گسترش تعهدات رفاهی در سطح جامعه بوده و منابع مالی را در جامعه به شیوه‌های مناسب توزیع می‌کند تا ایده آزادی و برابری به عنوان یک سنت اجتماعی قدرتمند اجتماعی تأمین شود. به بیان سورنسن و استراث<sup>۲</sup> دو مورخ نروژی و سوئدی، شکل‌گیری مدل توسعه نوردیک در نقاط عزیمت زمانی، مکانی و موضوعی شباهت‌هایی داشته به طوری که آنها معتقد بودند مهمترین جلوه کشورهای حوزه اسکاندیناوی سنت دهقانی آزادانه آنان است که در پیوند دادن آرمان روشنگری نوردیک، رمانتیسیم، دموکراسی و دولت رفاه نقش بسیار مهمی داشته‌اند (Sorensen and Strath, 1997: 24; Strath, 2018: 51). برای طبقه دهقان (زمین‌دار) دیدگاه‌های منطقی، خود انضباطی، کارکردهای برنامه‌ریزی شده و بازخورد مثبت آن در قلمرو کار و زندگی اهمیت زیادی داشت و خود از عوامل و حاملان توسعه در این منطقه بودند. فعال شدن کنش‌های طبقه کارگر در کشورهای منطقه نوردیک مانند دانمارک موجب شد تا آنان در جنبش‌های احیاگرایانه و کارگری حضور داشته باشند و به عنوان یک بازیگر اجتماعی فعال روابط نزدیکی با دولت برقرار کنند و به همین دلیل بود که با شکل‌گیری تمدن‌های دهقانی در دانمارک و نروژ که نقش واسطه‌ای میان دولت مرکزی، گروه‌های

<sup>1</sup> Intuitional Model

<sup>2</sup> Sorensen and strath



مذهبی، بخش‌های عمومی و خصوصی، دولت - جامعه داشتند رویه‌های توسعه اجتماعی ظهور کردند (Boston, 2020; Van Kernbergian, 2020: 176). در کنار این مسئله توسعه آموزش در قالب‌های سکولار به جایگاه دهقانان در جوامع نوردیک بسیار کمک کرد و این طبقه اجتماعی با مبانی هنجاری - ارزشی در دولت رفاه فراگیر نوردیکی که مبتنی بر شهروندی بود همسو شد و توانست عاملی مهم برای پذیرش مفاهیم اجتماعی مانند عدالت، آزادی و آموزش همگانی فراگیر باشد همچنین این سنت با پایه‌ریزی نوع خاص از دموکراسی در قالب کورپراتیسم که در آن چانه‌زنی میان کارفرما، کارگر و دولت منجر به ثبات اجتماعی در این جوامع شد، به وجود آورد. این سنت اجتماعی - سیاسی در بُعد محتوایی، بومی شدن مسئله مدیریت - حکمرانی و بروسپاری امور به سازه‌های اجتماعی را ایجاد کرد و در بُعد شکلی سَمَن‌ها و یا سازمان‌های مردم نهاد را برای حل مسائل اجتماعی و اقتصادی کشور رل به وجود آورد (Syvertsen, 2014; Kröger, 2019:102). از دیگر تاثیرات مهم سنت دهقانی در جوامع اسکاندیناوی تبدیل شدن آنان به یک نیروی سیاسی فعال بود؛ طبقه‌ای که خارج از سنت آریستوکرات به عنوان یک نیروی اجتماعی در بطن جامعه به کنشگری پرداخت و به شکل دادن ائتلاف‌های سیاسی کارگری، احزاب ارضی و یا احزاب سوسیال دموکرات در کشورهایی مانند دانمارک و فنلاند، نظام‌نامه‌های مذاکره و یا توافق جمعی میان بازار و کار (کارفرما و اتحادیه کارگری) پرداخت که در چارچوب منطق توسعه به عنوان پایه‌ای برای عقلانی‌سازی اقتصاد و توسعه درون‌زا است.

به‌طورمثال، باید بیان کرد که دموکراسی‌های اروپای شمالی مانند سوئد که با راست‌گرایی افراطی درگیر بوده؛ به عنوان یک کشوری که محمل چپ‌لیبرال یا سوسیال دموکراسی بوده بخشی از وجهه این کشور را تا حدودی مخدوش ساخت. اما با پیشرفت‌های پارلمانتاریستی در این کشور و نفوذ دموکرات‌های سوئدی از سال ۲۰۱۰، سیاست‌ها و سیاستگذاری اجتماعی هم در عرصه عمومی و هم در میان احزاب تغییراتی کرد و با همراهی دیگر احزاب محافظه‌کار میانه‌رو، دموکرات‌های مسیحی و حزب لیبرال ساخت جدیدتری از سیاست را در این کشور به وجود آورده است (رحمتی، ۱۴۰۲: ۸۳-۸۲) به عبارتی دیگر، از علت‌های اساسی در پایداری سیاسی - اجتماعی در کشورهای نوردیک می‌توان به عوامل زیر اشاره داشت:

- سیستم‌های رفاهی قوی: این کشورها دارای سیستم‌های رفاهی گسترده‌ای هستند که از همه شهروندان در برابر بیکاری، بیماری، و فقر محافظت می‌کنند. این سیستم‌ها به کاهش نابرابری و افزایش تعلق اجتماعی کمک می‌کنند.



- اقتصادهای با ثبات: کشورهای نوردیک دارای اقتصادهای مدرن، متنوع، و با ثباتی هستند که بر پایه اصول بازار آزاد و سرمایه‌گذاری در آموزش و فناوری بنا شده‌اند.
  - سیستم‌های آموزشی با کیفیت: آموزش در این کشورها اغلب رایگان یا بسیار مقرون‌به‌صرفه است، که به ایجاد فرصت‌های برابر در جامعه کمک می‌کند.
  - ثبات سیاسی: کشورهای نوردیک تاریخ طولانی از دموکراسی پایدار و نهادهای قوی دارند که به حفظ حکمرانی خوب و اعتماد عمومی کمک می‌کنند.
  - فرهنگ همکاری و اعتماد: فرهنگ اجتماعی این کشورها بر اساس اعتماد متقابل و همکاری بین شهروندان و دولت استوار است. اعتماد به نهادهای عمومی و سیاستمداران در این کشورها بالاست.
  - شفافیت و مبارزه با فساد: کشورهای نوردیک اغلب در رتبه‌های بالای شاخص‌های جهانی مربوط به شفافیت و کمترین سطوح فساد قرار دارند. این امر به اعتماد عمومی و استحکام نظام سیاسی کمک می‌کند.
  - سیاست‌های جامع‌پذیرش: این کشورها سیاست‌های نسبتاً جامعی برای پذیرش مهاجرین و ادغام آن‌ها در جامعه دارند. این امر به کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش تنوع فرهنگی کمک می‌کند.
  - حقوق اجتماعی و سیاسی قوی: حقوق بشر و حقوق مدنی در این کشورها از اهمیت زیادی برخوردارند و به طور جدی حمایت و اجرا می‌شوند.
  - تعهد به حفظ محیط زیست: کشورهای نوردیک پیش‌تاز در ترویج پایداری و حفاظت از محیط زیست هستند، که به ایجاد احساس مسئولیت جمعی و بلندمدت کمک می‌کند.
- این عوامل در کنار یکدیگر، محیطی را ایجاد می‌کنند که در آن افراد احساس امنیت می‌کنند و به سیستم‌های اجتماعی و سیاسی اعتماد دارند. این موارد به نوبه خود باعث کاهش تنش‌های اجتماعی و افزایش همبستگی اجتماعی می‌شوند، که همه اینها موجب پایداری سیاسی و اجتماعی می‌گردند.
- ۲-۳. توسعه به مثابه زندگی و خروجی اقتصادی کشورهای نوردیک**
- خروجی اقتصادی در کشورهای شمال اروپا در اشکالی چون شفافیت، دسترسی آزاد به اطلاعات، همگرایی و ادغام اجتماعی، یکپارچگی، نهادسازی‌های مردمی، هم‌فهمی اجتماعی مشترک و روی کار آمدن دولت‌های رفاهی ظهور کردند که در چنین فضایی زیست در بستر توسعه فراهم آمد. این ترکیب



میان دولت، نیروهای اجتماعی و تصمیم‌گیری‌های دموکراتیک منجر به توسعه در نوردیک شد و فاصله میان دولت، جامعه و حوزه جامعه مدنی کم‌رنگ شد (Kroger, 2019: 100; Stephens, 1996). کشورهای شمالی در اروپا اغلب در اولین زمان‌بندی‌های خود برای اجرای سیاست‌های اجتماعی تفاوت‌هایی داشتند؛ برای مثال دانمارک از اولین کشورهایی بود که در اجراسازی قانون بازنشستگی در سال ۱۸۹۱ مشارکت داشت و پس از این کشور، سوئد در سال ۱۹۱۳، نروژ ۱۹۳۶ و فنلاند در سال ۱۹۳۷ این سیاست را اجرا کردند. در برخی از موارد این ترکیب معکوس می‌شود؛ برای مثال در مورد بیمه حوادث مربوط به کار، نروژ از اولین کشورهایی بود که در سال ۱۸۹۴ این طرح را عملیاتی کرد و پس از آن کشورهای فنلاند ۱۸۹۵، دانمارک و سوئد در سال ۱۹۱۶ این قانون را اجرا کردند. در سیاست‌های مربوط به نهاد خانواده و کودک در قالب خدمات رفاهی اجتماعی، سوئد از جمله پیشتازان در اسکاندیناوی بوده و بعد از این کشور فنلاند طرح‌های مراقبت نهادینه‌شده<sup>۱</sup> را در جامعه پیاده‌سازی کرد که تمامی این فعالیت‌های اجتماعی تلاشی برای توسعه در داخل بوده است. به بیان دیگر، بررسی توسعه و مدرنیزاسیون در کشورهای نوردیک امر در-زمانی<sup>۲</sup> بوده بدین معنا که توسعه یک فرآیند و رویه است به این ترتیب که تمامی این دولت‌ها، سیستم‌های رفاهی هستند و تغییرات در سیاست‌های اجتماعی و اجرایی شدن آن به طور هم‌زمان صورت می‌گیرد (Greve, 2014; Lister, 2009).

از دیگر ارزش‌ها و سنت‌های اجتماعی در کشورهای نوردیک که ضلعی دیگر از هایبریدی شدن توسعه محسوب می‌شود، روح سرمایه‌داری و بهره‌وری در کار است. این سنت اجتماعی در طی زمان تبدیل به نقطه قوت دولت - ملت‌های کوچک در نظم اقتصاد سیاسی جهان گردید (Chae-jin Yang, 2020; Jakobsen, 2009; Larsen and Marklund, 2022). کشورهای شمال اروپا عموماً از اقتصاد بازار، تجارت بین‌المللی و مسئله حقوق مالکیت تأثیر پذیرفته‌اند و هم‌زمان استانداردهای دولت رفاه را داشته‌اند که از جمله انطباق‌پذیری‌های این حکومت‌ها در سیستم جهانی است. به همین منظور دولت رفاه نوردیکی به عنوان یک مدل فراگیر حکمرانی ضمن فراهم آوردن سطح بالایی از امنیت برای شهروندان در اقتصاد جهانی، توانسته ضمن کسب موفقیت‌های جهانی، تبدیل به یک برند در جهان شود (Rasmussen, 2022).

<sup>1</sup> Institutionalized Care

<sup>2</sup> Diachronic

در همین چارچوب کشورهای شمالی اروپا در تلاش‌اند تا ضمن مقابله با پدیده فقر، نابرابری اجتماعی را کاهش دهند و سطح بالایی از امنیت در بُعد اقتصادی را برای شهروندان به وجود آورند. هدف از این اقدامات صرفاً مادی نیست بلکه تجهیز شهروندی برای توسعه مهارت‌ها است تا تلاش کنند در بازار بهره‌وری بالایی داشته باشند. به عنوان مثال در سوئد، فنلاند یا دانمارک زنان باید از امکانات کافی در بازارهای اقتصادی برخوردار باشند (برابری جنسیتی) تا هم‌تراز با طبقات اجتماعی بالا بتوانند در زیست بهتر اجتماعی شریک باشند. به بیان دیگر، راهبرد مرکزی دولت‌های نوردیک در قالب سیاست‌های اجتماعی مدرن داخلی مانند مبارزه با فقر جمعی، کاهش نابرابری و ارتقای تحرک اجتماعی آنان را به الگوهای جهانی در حکمرانی تبدیل کرده است (Greiner, 2019). در همین چارچوب کشورهای نوردیک که شامل فنلاند، نروژ، دانمارک، ایسلند و سوئد می‌باشند از جمله بهترین کشورها در شاخص‌های رقابتی در کسب و کار، امنیت سرمایه‌گذاری، آزادی اقتصادی، مبارزه با فساد هستند که در شکل زیر به نمایش در آمده است که این تصویر را می‌توان این گونه تفسیر کرد که سنت برابری اقتصادی که نشئت گرفته از ساختار اجتماعی آنان است در توسعه این کشورها مؤثر بوده است.

شکل ۴. جایگاه کشورهای نوردیک در شاخص‌های توسعه اقتصادی (منبع)<sup>۱</sup>



<sup>1</sup><https://www.norden.org/en/publication/nordic-economic-policy-review-2022-covid-19-effects-economy-nordics>





افزایش میزان بهره‌وری در دولت‌های رفاهی ناشی از روح سرمایه‌داری به عنوان یک سنت اجتماعی می‌باشد (Grunfelder, 2018). بالا بودن کیفیت زیست اقتصادی، پایین بودن میزان هدر رفت سرمایه و برابری از جمله خروجی‌های سیستم اقتصادی کشورهای نوردیک و افزایش سطح رفاه در این منطقه بوده است. برابری در شمال اروپا بدین معناست که تمایزی مفهومی میان دولت و جامعه نیست و توجه به جامعه از سوی دولت تأثیر مستقیمی بر فراگیری<sup>۱</sup> دولت رفاهی نوردیک در داخل و خارج داشته است. نظام سوسیال دموکرات در مدل نوردیکی آن اولویت را به مقولاتی چون دموکراسی، بازار آزاد، همراهی با اقتصاد باز جهانی می‌دهد که از دریچه سنت‌های اجتماعی به آن توجه می‌شود. وجود بیمه‌های بازنشستگی، از کار افتادگی، آموزش و پرورش رایگان، سیستم دانشگاهی ارزان قیمت، بیمه بیکاری و ... از نمونه نگرش‌های اجتماعی و حکمرانی سیاسی جوامع نوردیک است (Hvid and Falkum, 2021; Blossing et al., 2014; Greve, 2020).

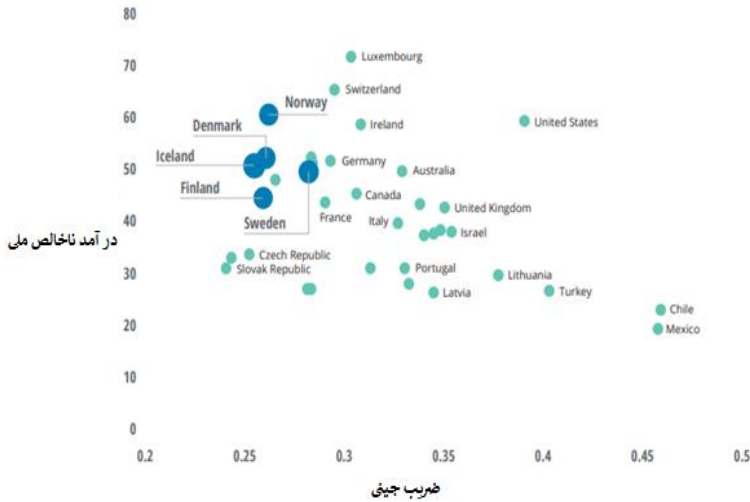
اشتغال کامل، حقوق اجتماعی برابر، کاهش فاصله طبقاتی در جامعه، برابری‌های جنسیتی و اقتصادی، برابری در فرصت‌ها و عدالت از جمله نتایج و خروجی همبستگی میان سنت‌های اجتماعی و اقتصادی در نوردیک است. به طور مثال در سال ۲۰۱۸ بر اساس شاخص جهانی برابری جنسیتی کشورهای نروژ، سوئد، فنلاند، ایسلند و دانمارک در رتبه‌های اول تا پنجم قرار گرفتند و یا در شاخص‌های ضریب جینی و پیشرفت اجتماعی که با در نظر گرفتن میزان برابری میان طبقات اجتماعی و اقتصادی کشورها تعیین می‌شود کشورهای نوردیک از وضعیت خوبی برخوردار بوده‌اند شاخصی که نشان‌دهنده پیوند سنت‌های اجتماعی - اقتصادی در منطقه نوردیک و پیوند آن با خروجی‌های اقتصادی مانند ضریب جینی و شاخص پیشرفت اجتماعی در این کشورها می‌باشد.

---

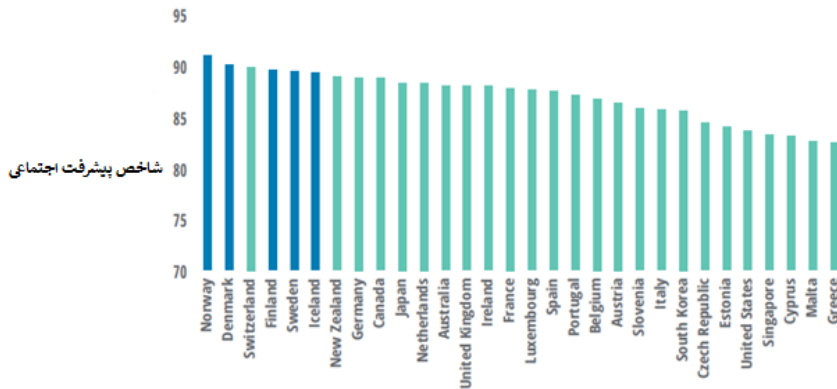
<sup>1</sup> Universality



شکل ۵. شاخص ضریب جینی کشورهای نوردیک<sup>۱</sup>



شکل ۶. شاخص پیشرفت اجتماعی کشورهای نوردیک در سال ۲۰۲۲<sup>۲</sup>



### ۳-۳. اقتصاد سیاسی کیفیت حکمرانی در نوردیک

کشورهای شمال اروپا (نوردیک) با مدل اقتصادی سوسیال دموکرات و ترکیب آن با نظم اقتصادی سرمایه‌دارانه جهان، الگوی اقتصادی ترکیبی<sup>۳</sup> را به وجود آورده‌اند. اقتصادهای نوردیک را نمی‌توان در

<sup>۱</sup> Ginni I. (2018). available in: Global Gender Gap Index (2018).

<sup>۲</sup> <https://www.statista.com/statistics/256975/worldwide-index-of-social-progress/>

<sup>۳</sup> Hybrid Economic System



مدل‌ها و الگوهای اقتصاد سوسیالیستی تحلیل کرد؛ چراکه این اقتصادهای کوچک با بهره‌وری بالای جهانی بیش از آن که توسط برنامه‌ریزی‌های دولت - محور پدید آمده باشند؛ از بازارهای مالی تأثیر گرفته‌اند. اما باید بیان کرد که نقش دولت در اقتصادهای کشورهای نوردیک راهبردی است زیرا دولت‌ها با سیستم‌های حقوقی که در اختیار دارند ضمن حمایت از مالکیت شخصی و گروهی به اجرای قراردادهای اقتصادی مبادرت می‌کنند. اقتصادهای ترکیبی نوردیک، سطح بالایی از رقابت‌پذیری، بهره‌وری و برابری اجتماعی را فراهم کرده‌اند. به عبارت دیگر حوزه نوردیک ضمن ایجاد کردن جوامع ثروتمند، برابری اجتماعی قدرتمندی را به وجود آورده که این مسئله معمای ناسازواری میان برابری و بهره‌وری را از میان برده است (Nedergaard and Wivel, 2018; Brunoa et al., 2022).

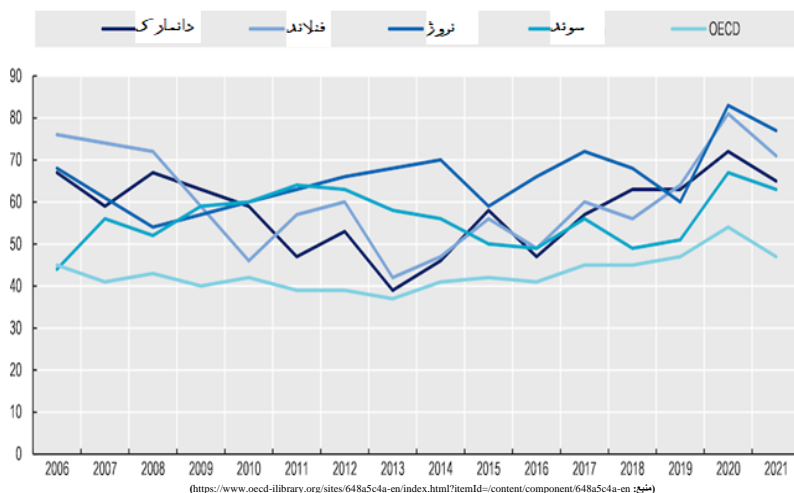
مطابق با آمارهای سال ۲۰۲۲ هزینه‌های اجتماعی دولت‌های نوردیک در مقایسه با سال‌های گذشته رشد قابل توجهی داشته است که خود نشانه‌ای مبنی بر افزایش بهره‌وری و برابری در این کشورهاست به طوری که فنلاند با ۲۹٪، دانمارک ۲۶/۲٪، سوئد ۲۳/۷٪ جز کشورهایی با بالاترین هزینه اجتماعی برای ارتقای بهره‌وری حکمرانی و افزایش برابری در جامعه هستند. هزینه‌کردهای اجتماعی بالا در کشورهای نوردیک بدین معناست که دولت با بازتوزیع این درآمد در سطح جامعه بخشی از نیازهای اجتماعی را پاسخ می‌دهد و نوعی انسجام اجتماعی را در جامعه به وجود می‌آورد که اساساً چنین فعالیتی از سوی دولت رفاه، ترکیبی از اقتصاد سرمایه‌داری و سوسیال دموکرات است. دولت رفاه در نوردیک با فراهم کردن بستری برای سعی در کاهش مشکلات اجتماعی در حوزه سلامت اجتماعی و رفاه دارد؛ به طوری که دولت‌های این منطقه با سرمایه‌گذاری و هزینه‌کرد در بخش سلامت دشواری‌های اجتماعی را کاهش داده‌اند. کشورهای نوردیک با توجه به خدمات اجتماعی مانند توجه به سلامت کودکان قبل از متولد شدن، هزینه در بخش آموزش، خدمات مربوط به حوزه اجتماعی قبل از بروز بحران، توجه به رفاه شهروندی تا قبل از پیشامدهای خطرناک مانند بیکاری و بحران مسکن با انجام برنامه‌ریزی‌های بلندمدت در قالب هزینه‌هایی برای مقابله با ناکارآمدی، الگویی جدید از حکمرانی را به نمایش گذاشته‌اند (Blum et al., 2019; Greve, 2019).

در الگوی دولت رفاهی نوردیک، مصرف‌گرایی اقتصادی با توسعه سیاست‌های رفاهی - اجتماعی و به عبارتی دیگر با بازتوزیع آن در جامعه تطبیق پیدا می‌کند. اگرچه میزان سخت‌گیری مالیاتی نوردیک در مقایسه با سایر کشورهای جهان بیشتر است؛ اما به دلیل بازگشت آن به جامعه و سیکل اجتماعی توسعه، نارضایتی در سطح جامعه وجود ندارد و به عبارتی رنج اجتماعی کاهش چشم‌گیری پیدا کرده و جامعه



در یک وضعیت رضایت‌بخش قرار می‌گیرد که خود این مسئله از پایه‌های توسعه ترکیبی نوردیک و از جمله مانایی و پایداری سیاسی - اجتماعی این منطقه با وجود احزاب یکدست می‌باشد. در چرخه بازتوزیعی توسعه نوردیکی، این کشورها در مرحله اول با ورود به چرخه تولید سرمایه‌دارانه، ارزش افزوده را به بهره‌وری تبدیل می‌کنند و با برگشت پول که حاصل از تولید است، حوزه رفاهی را توسعه می‌دهند و در کنار این متغیرها، سیاست‌های مالیاتی و تأمین مخارج اجتماعی از مالیات به توسعه دولت رفاهی در نوردیک و افزایش اعتماد اجتماعی کمک فراوانی کرده است (Hetherington, 2018; Wu and Wilkes, 2018). دولت‌های رفاهی نوردیک با تلاش‌های فراگیر در جهت توسعه سیاست‌های اجتماعی - اقتصادی مناسب و افزایش سطح رضایت اجتماعی، اعتماد عمومی بالاتر جوامع خود که در برگیرنده سرمایه اجتماعی است را به وجود آورده‌اند. به طور مثال در نروژ اعتماد به حکومت (اعتماد نهادی) در مقایسه با سایر کشورهای جهان بالاست به طوری که در سال ۲۰۲۱ مردم به دولت در نروژ ۷۷٪ رضایت داشتند.

شکل ۷. اعتماد به حکومت در میان کشورهای نوردیک



### ۳-۴. "انضباط ژئواکونومیک" در نوردیک و تبدیل شدن به برندینگ جهانی

شمال اروپا و به عبارتی کشورهای نوردیک معیار مناسبی برای فهم الگوی توسعه‌یافتگی از منظرهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. وابستگی و درهم تنیدگی اقتصادهای ملی کشورهای نوردیک و



پیوند آنان با سیستم اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری بازار آزاد که برگرفته از سنت‌های اجتماعی این منطقه است منجر به شبکه‌سازی قوی و پایدار برای منطقه نوردیک گشته؛ به طوری که این همراهی و همگرایی اقتصادی در قالب انضباط و نظم ژئواکونومیک در مرحله اول این مسئله را پررنگ ساخته تا شرکت‌های بزرگ جهانی در منطقه نوردیک تلاش‌هایی سیاستگذارانه داشته باشند و در ثانی توسعه اقتصادی این منطقه امنیت اجتماعی - روانی، کیفیت بالای بهره‌وری و بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را تشویق کرده است. در این راستا، شورای نوردیک در گزارش سال ۲۰۲۲ خود از وضعیت اقتصاد و نظم ژئواکونومیک نوردیک تحلیلی جامع ارائه داده است که مطابق با این گزارش تحلیلی بیان می‌شود که پس از همه‌گیری Covid19 طیف گسترده‌ای از چالش‌ها در منطقه شمال اروپا (نوردیک) مشاهده شده است؛ به طوری که با تعطیلی ارادات، مدارس، دانشگاه‌ها، فشارهای مضاعف بر سیستم بهداشتی - مراقبتی، نظم اجتماعی این منطقه را تا حدودی تحت تأثیر قرار داده است. این گزارش اشاره می‌کند که بازارهای کار دچار اختلالات کوتاه‌مدت شده و بر انعطاف‌پذیری اقتصادی و همچنین بخش صنعت تأثیرگذار بوده است؛ اما اقتصاد این منطقه با توجه به پاندمی کرونا همچنان دوازدهمین اقتصاد بزرگ دنیا محسوب می‌شود (Grunfelder, 2018: 16-22; IMF, 2021). به طور کلی کشورهای نوردیک به عنوان دهمین اقتصاد تجمیع‌شده بزرگ جهان و پنجمین اقتصاد منطقه اروپا سهم قابل توجهی از کیک قدرت در نظام بین‌الملل را برای خود اختصاص داده‌اند. همچنین این کشورها به شرکت‌های پیشرو جهانی که به مراتب بخشی از سهم منطقه‌ای آنان از اقتصاد جهانی است تبدیل به دولت‌های برند شده‌اند. از منظر قدرت خرید اجتماعی منطقه نوردیک یکی از بهترین مناطق در جهان هستند به طوری که قدرت خرید در شمال اروپا حدوداً ۲۰٪ بیشتر از میانگین اتحادیه اروپا است. تمامی کشورهای شمال اروپا به واسطه این رتبه بالای در فهرست ۳۰ کشور برتر و ثروتمند جهان قرار دارند و اکثراً در زمره سالم‌ترین کشورها از نظر اقتصادی می‌باشند؛ به همین منظور کشورهای نوردیک در آخرین رده‌بندی معتبرترین کشورهای جهان، جز ۱۰ کشور برند و مشهور جهان می‌باشند (Due et al., 2019 & Martela et al., 2020). فرآیندها و رویه‌های توسعه‌گرایی منطقه نوردیک نشان می‌دهد که این کشورها دو استراتژی را برای دستیابی به توسعه و مدرنیزاسیون ترکیبی در پیش گرفته‌اند: ۱- درونی‌کردن هنجارها<sup>۲</sup> و ۲-

1 <https://knoema.com/infographics/axgsdxc/the-most-reputable-countries-in-the-world>

2 Internalization of Norms



نهادینه‌سازی زمینه‌های مشترک<sup>۱</sup> (Nedergaard and Wivel, 2018). این دو راهبرد نوردیکی بدین معناست که این کشورها در قواعد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی سعی در همگرایی و تعامل منطقه‌ای، میان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دارند که نهایتاً این استراتژی دوگانه در تبدیل شدن شمال به ژئوپلیتیک برند<sup>۲</sup> و مدل جهانی در امر حکمرانی موفق بوده است (Ljungberg, 2013: 101). یکی دیگر از پایه‌های توسعه هایبریدی نوردیکی تبدیل شدن امر امنیتی به امر عادی در جهت ساختار روابط تعاملی و هم‌گرا - پایه است. برای مثال تبدیل شدن بندر تجاری کومن لولنا در سوئد به مرکز داده<sup>۳</sup> شرکت فیس‌بوک نشان از اهمیت استراتژیک این مناطق در جهان دارد. احداث این دیتا سنتر در بندر لولنا سوئد به این دلیل بود که نشان داده شود آستانه آسیب‌پذیری امنیتی نوردیک به پایین‌ترین سطح رسیده است؛ به طوری که در نظرسنجی که از شهروندان سوئدی صورت گرفته در ارتباط با این مسئله حدود ۶۲/۵٪ موافق احداث مرکز داده فیس‌بوک، یاهو، گوگل و یا تبدیل شدن به بخشی از ژئوپلیتیک سلیکون‌ولی بودند (Norlén et al., 2022; 117). این رخداد بیان‌کننده آن است که در نوردیک یک مسئله امنیتی به واسطه ساختار و روابط تعاملی چه در داخل و چه در خارج به یک امر عادی در جهت توسعه و مدرن‌شدن تبدیل شده است. در حوزه هوش مصنوعی هم کشورهای نوردیک از جمله پیشروترین دولت‌ها محسوب می‌شوند. به طوری که در حوزه‌های علوم زیستی و داروسازی دانمارک اخیراً با شرکت‌های بزرگی مانند NORO Nordisk مبلغی به میزان ۱۳۸ میلیون کرون (۲۷ میلیون دلار کانادایی) و ۱۲ پروژه ابتکاری در حوزه سلامت برای توسعه هوش مصنوعی در این حوزه‌ها ترتیب داده‌اند. همچنین در استراتژی ملی هوش مصنوعی دانمارک این کشور که از سال ۲۰۱۹ - ۲۰۲۲ اجرا شده است این کشور از این فرآیند فرافناورانه برای حکمرانی بهتر، مبارزه با فساد، شفافیت اقتصادی، مسئولیت‌پذیری بیشتر دولت و کارآمدسازی حکومت استفاده کرد. در همین چارچوب، یکی از گزارش‌های دولت دیجیتال در سوئد نشان می‌دهد که استفاده از هوش مصنوعی توانسته است منجر به صرفه‌جویی حدود ۱۴۰ میلیارد کرون (۲۰ میلیارد دلار کانادا) در مدیریت‌های دولتی به دلیل اتوماتیک‌شدن حکمرانی و سیاست‌ورزی شود که تمامی این اقدامات نشان‌دهنده توسعه و مدرنیزاسیون ترکیبی در نوردیک است (Koivunen et al., 2021; Brandal et al., 2013; Iacono, 2018).

<sup>1</sup> Institutionalization of Shared Contexts

<sup>2</sup> Brand geopolitics

<sup>3</sup> Data Center



#### ۴. سیاست خارجی "نوردیکی" منطقی جدید برای توسعه یافتگی

منطقه شمال اروپا از نظر بافتار و ساختار توسعه سیاسی و مدل‌های نوسازی به الگویی منحصر به فرد تبدیل شده است و یک چشم‌انداز جذابی از توسعه یافتگی را به نمایش می‌گذارد. از جمله حوزه‌هایی که در بررسی الگوی توسعه نوردیک باید مورد توجه قرار گیرد، حوزه سیاست خارجی است. کشورهای نوردیک در ژئوپلیتیک اسکاندیناوی در سیاست خارجی با توجه به مدل رفاهی و جریان‌های حزب سوسیال دموکراتیک حاکم در داخل، رویه‌های سیاست‌گذاری داخلی و خارجی بعضاً متفاوتی در پیش گرفته‌اند مانند دانمارک که سیاست خارجی این کشور با وجود احزاب سوسیال دموکراتیک و گرایش‌های چپ‌گرایانه آنان شکل پیدا کرده است. دانمارک که جز اولین‌ها در پیوستن به اتحادیه اروپا بود در سیاست خارجی گرایش انطباق - تعامل اروپایی - نوردیکی را در پیش گرفت که به نوعی تعاملی چندجانبه و مدلی از حک‌شدگی ارتباطی در عرصه خارجی را پیگیری کرده است (بیدالله‌خانی، ۱۳۹۹: ۴۶۴؛ Gramskjolsager, 2019: 235).

از اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی به بعد با افزایش قدرت احزاب لیبرال در بعضی از کشورهای شمال اروپا مانند دانمارک رویکرد فراملی‌گرایی (انترناسیونالیسم) فعالانه که مبتنی بر همگرایی و تعامل حداکثری با قدرت‌های بزرگ جهانی مانند آمریکا را در دستور کار خود قرار دادند. کشورهای نوردیک با یک سیاست خارجی انطباق‌گرایانه و ضمن درک محیط بین‌المللی، ضمن شناسایی نیازهای ملی و برقراری تعادل در محیط پیرامونی و فراپیرامونی که برگرفته از سنت‌های اجتماعی آنان مانند: همراهی، نزدیکی، انطباق با محیط و خلق فرصت برای برنشدگی است سعی در کنشگری فعال و انطباق‌پذیری بهنگام در محیط بین‌الملل دارند. به دیگر سخن، مدل سیاست خارجی نوردیک در پس آن است تا با یک کنش فعال نقش مهمی در روابط بین‌الملل با هدف تاثیرگذاری جهانی داشته باشد (Wivel, 2018: 420). به طور کلی، کشورهای شمالی اروپا در سیاست خارجی به دنبال آن هستند تا به عنوان یک بازیگر اثرگذار بر رویه‌های سیاست خارجی اتحادیه اروپا باشند؛ زیرا خود را دارای قرابت فرهنگی، ارزشی، هنجاری، اقتصادی و سیاسی با این منطقه می‌دانند و در کنار آن ضمن یک کنش فراملی‌گرایانه سعی در اتحادسازی با بازیگر قدرتمند جهان یعنی آمریکا دارند. در دوران مدرن، همکاری و همگرایی کشورهای نوردیک در حوزه سیاست خارجی، آنان را به بازیگران مطرح بین‌المللی تبدیل کرده است؛ زیرا ادراک شمالی بودن، شکل‌گیری ارزش‌های هنجاری نوردیکی و اشتراک مساعی‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی در شکل اتحادیه همکاری کشورهای نوردیک به عنوان یک سیاست همسایگی فعال و سازگار نشان‌دهنده سیاست خارجی موفق آنان بوده است (بیدالله‌خانی، ۱۳۹۹: ۴۶۴).



۶۱: 392 (Brommesson, 2018). نقطه عزیمت استراتژیک کشورهای نوردیک برای بررسی سیاست خارجی آنان نوردیک‌گرایی هوشمند است که در محیط امنیتی شمال اروپا کشورهای سوئد، فنلاند، نروژ و دانمارک آن را پیگیری می‌کنند. اساساً پس از سال ۲۰۰۵ به واسطه تهدید روسیه، جنگ گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اخیراً مناقشات نظامی روسیه - اوکراین، شاهد تلاش دولت‌های نوردیک برای پیگیری یک سیاست همسایگی فعال در محیط پیرامونی هستیم. کشورهای شمالی اروپا ضمن یافتن زمینه‌های مشترک به دنبال همکاری‌های چندجانبه امنیتی در محیط اروپا برای توسعه روابط امنیتی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند که منطقی جدید از تلاش نوردیکی برای بقا و تاثیرگذاری در نظام بین‌الملل است

### نتیجه‌گیری

الگو و مدل توسعه یافتگی و مدرنیزاسیون ترکیبی نوردیک برآیندی از ارزش‌های اجتماعی و هم‌پیوندی آنان با نهاد دولت و جامعه است که این همراهی و نقطه عزیمت استراتژیک منجر به تبدیل شدن دولت‌های رفاهی نوردیک به مدل‌ها و صورت‌بندی‌های جدیدی از توسعه شده است. هریک از این ارزش‌های اجتماعی - هنجاری شمال اروپا در ژئوپلیتیک اسکاندیناوی مانند ارزش‌های جامعه دهقانی، آرمان‌گرایی سوسیالیستی، روح سرمایه‌دارانه اقتصادی و بهره‌وری در حوزه حکمرانی خوب، به عنوان پیشران‌های چهارگانه توسعه ترکیبی در منطقه بوده است. اساساً با فهم سیستم اجتماعی در نوردیک می‌توان مشخص کرد که صورت‌بندی و طراحی الگوی توسعه شمال اروپا وجهی منحصر به فرد دارد که از ترکیب میان آرمان سوسیال دموکراسی و سرمایه‌داری لیبرال پدید آمده است. همچنین استخراج این سنت‌های اجتماعی قدرتمند در نوردیک چشم‌اندازهایی از حکمرانی خوب، دولت رفاه فراگیر و مدرنیزاسیون ترکیبی ارائه داده است. این دولت‌های رفاهی ضمن توجه با مقوله همبستگی اجتماعی، آزادی، برابری و انسجام، کنش‌های خود را برای گسترده‌سازی سطح رفاه و رضایت اجتماعی از حکومت مبدول داشته‌اند به همین دلیل تبدیل به مدل‌های جدید از توسعه یافتگی در جهان می‌باشند. فرجام سخن آن که مدل توسعه نوردیک در توسعه یافتگی و مدرنیزاسیون این مناطق را به برند جهانی تبدیل کرده است. از جمله نکات تهدیدساز هم در بروز بحران در کشورهای نوردیک می‌توان به عواملی چون نابرابری اجتماعی، تغییرات در جمعیت، تأثیرات سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، برخورد با مهاجران و تأثیرات تغییرات آب و هوایی نام برد. در ارتباط با توسعه ترکیبی منطقه نوردیک باید به مولفه‌های زیر اشاره داشت:





۱- تعامل میان مدرنیزاسیون و ارث فرهنگی: منطقه نوردیک یک منطقه با ارث فرهنگی غنی و تاریخی است که در طی سال‌ها با مدرنیزاسیون تطابق یافته است. اما تعامل میان مدرنیزاسیون و ارث فرهنگی به عنوان یک برساخت هایبریدی مطرح می‌شود. این تعامل نقش مهمی در تشکیل هویت فرهنگی و اجتماعی منطقه نوردیک ایفا می‌کند.

۲- ژئوپلیتیک توسعه: منطقه نوردیک به لحاظ جغرافیایی در موقعیتی استراتژیک واقع شده است که از لحاظ اقتصادی و سیاسی در جهان مدرن تأثیرگذار است. توانمندی‌های اقتصادی، منابع طبیعی، و نیروهای کاری در این منطقه نقش مهمی در تعیین ژئوپلیتیک توسعه ایفا می‌کنند.

۳- تعامل منطقه‌ای: منطقه نوردیک تجربه موفقی در تعامل منطقه‌ای داشته و سازمان‌هایی مانند کشورهای نوردیک، کشورهای بالتیک، و اتحادیه اروپا به‌عنوان فضایی برای همکاری و توسعه مشترک در منطقه عمل کرده‌اند. این تعامل‌ها نه تنها به توسعه اقتصادی منطقه بلکه به استحکام ژئوپلیتیکی آن نیز کمک کرده‌اند. با توجه به این نکات، می‌توان نتیجه گرفت که توسعه و مدرنیزاسیون در منطقه نوردیک به عنوان یک برساخت هایبریدی - ژئوپلیتیکی نیازمند یک رویکرد چندفرهنگی و ترکیبی از عوامل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. این تعاملات به شکلی مثبت به توسعه و استحکام منطقه نوردیک کمک می‌کنند و نمونه‌ای موفق از توازن بین مدرنیته و ارث فرهنگی را نشان می‌دهند.

#### منابع

- بیدالله خانی، آرش. (۱۳۹۹). تجزیه و تحلیل نقش کنش‌گری انطباق‌پذیر لیبرال - غربی در سیاست خارجی دانمارک در دوران جدید (۲۰۰۰ تا ۲۰۲۰). فصلنامه روابط خارجی، ۱۲(۳)، ۴۶۱-۴۸۹.
- بیدالله خانی، آرش. (۱۳۹۹). هستی‌شناسی امنیتی - توسعه محور گرایش نوردیک در سیاست خارجی سوئد، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۷۸-۵۱.
- رحمتی، رضا (۱۴۰۲). عوامل مؤثر بر تغییر استراتژی‌های رفتار حزبی حزب «دموکرات سوئد». فصلنامه دولت پژوهی، سال ۹، شماره ۳۵، صص ۱۱۵-۷۵.
- رحمتی، رضا (۱۴۰۰). «حک شدگی: چارچوبی برای روابط چین-نوردیک». فصلنامه رهیافت‌های سیاسی - بین‌المللی، ۱۳(۲)، ۲۰۵-۲۳۲.
- رحمتی، رضا (۱۳۹۹). «صورت بندی اصول بنیادین توسعه در مدل نوردیک». فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۴(۲)، ۱۹۵-۲۳۵.



سوئدبرگ، ریچارد (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی اقتصادی: ساخت اجتماعی و کنش اقتصادی، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: نشر تیسرا.

مردی‌ها، مرتضی (۱۳۹۸). دولت رفاه و دوگانه سوسیال دموکراسی - لیبرال دموکراسی، فصلنامه دولت پژوهی، ۲۱(۵)، ۵۷-۲۹.

Barr, N. (2020). *Economics of the welfare state*. Oxford University Press, USA.

Beckert, J. (2003). Economic sociology and embeddedness: how shall we conceptualize economic action? *Journal of economic issues*, 37(3), 769-787.

Beidollahkhani, A. (2020). An Analysis of the Role of compatible Liberal-Western orientation in Danish Foreign Policy in the new era (from 2000 to 2020). *Foreign Relations*, 12(3), 461-489. (In Persian)

Beidollahkhani, A. (2020). Security ontology and development-oriented of the Nordic trends in Swedish foreign policy. *World Politics*, 9(1), 51-78. (In Persian).

Blossing, U., Imsen, G., & Moos, L. (2014). *The Nordic education model*. Dordrecht: Springer Netherlands.

Blum, S., Kuhlmann, J., & Schubert, K. (Eds.). (2019). *Routledge handbook of European welfare systems*. Routledge.

Boston, J. (2020). *Transforming the Welfare State: towards a new social contract* (Vol. 80). Bridget Williams Books.

Brandal, N., Bratberg, Ø., & Thorsen, D. (2013). *The Nordic model of social democracy*. Springer.

Brommesson, Douglas (2018), 'Nordicness' in Swedish foreign policy, from mid-power internationalism to small state balancing? *Global Affairs*, 4:4-5, 391-404

Browning, C. S. (2007) Branding Nordicity: Models, Identity and the Decline of Exceptionalism. *Cooperation and Conflict* 42(1): 27– 51.

Bruno, L., Eloranta, J., Ojala, J., & Pehkonen, J. (2022). Road to unity? Nordic economic convergence in the long run. *Scandinavian Economic History Review*, 1-18.

Castles, F. G. (2000). The dog that didn't bark: economic development and the postwar welfare state. *European Review*, 8(3), 313-332.

Castles, F.G., Leibfried, S., Lewis, J., obinger, H. and Pierson, C. (Eds) (2010b), *The Oxford Handbook of*

Castles, F.G., Leibfried, S., Lewis, J., obinger, H. and Pierson, C. (Eds) (2010b), *The Oxford Handbook of*

Chae-jin Yang (2020). *The Small Welfare State Rethinking Welfare in the US, Japan, and South Korea*. Edward Elgar Publishing

Creutz, K., Berglund, S., Betul Karacan, T., Giacometti, A., Haugevik, K., Nyberg Sorensen, N., Woien Meijer, M., & Lares, A. (2021). Nordic Cooperation amid Pandemic Travel Restrictions FIIA. FIIA – Finnish Institute of International Affairs. <https://www.fiia.fi/en/publication/nordiccooperation-amid-pandemic-travel-restrictions>

Czarny, R. M., & Czarny, R. M. (2017). The Region of Knowledge-Based Economy. *A Modern Nordic Saga: Politics, Economy and Society*, 153-177.

Due, P., Eriksson, C., Torsheim, T., Potrebny, T., Välimaa, R., Suominen, S., ... & Damgaard, M. T. (2019). Trends in high life satisfaction among adolescents in five Nordic countries 2002–2014. *Nordisk välfärdsforskning| Nordic Welfare Research*, 4(2), 54-66.



Economy, Vol. 3, No. 3, pp. 409–425.

Garland, D. (2016), *The Welfare State: A Very Short Introduction*, Oxford University Press, Oxford.

Gram-Skjoldager, K. (2019). Denmark during the First World War: Neutral policy, economy and culture. *Journal of Modern European History*, 17(2), 234–250. <https://doi.org/10.1177/1611894419835753>.

Greiner, E. (2019). “The Nordic Myth: “A Criticism of The Loki That Is “Democratic Socialism”. Available at: *Journal of Law and International Affairs*

Greve, B. (2014). *Welfare and the welfare state: Present and future*. Routledge.

Greve, B. (Ed.). (2020). *The Routledge handbook of the welfare state*. London: Routledge.

Grunfelder, Julien, Linus Rispling, and Gustaf Norlén (2018), “State of the Nordic Region 2018”, Nordic Council of Ministers.

Hass, Jeffery Kenneth (2007), *Economic sociology an introduction*, USA: Routledge.

Hetemäki, L. (2020). The outlook for Nordic-Baltic Forest bioeconomy to 2030. *The Forest Industry around the Baltic Sea Region: Future Challenges and Opportunities*; Liuhto, K., Ed, 14-24

Hetemäki, L. (2020). The outlook for Nordic-Baltic Forest bioeconomy to 2030. *The Forest Industry around the Baltic Sea Region: Future Challenges and Opportunities*; Liuhto, K., Ed, 14-24.

Hetherington, M. (2018), *Why Trust Matters*, Princeton University Press, <https://doi.org/10.2307/j.ctv301fkq>.

Hvid, H., & Falkum, E. (Eds.). (2021). *Work and wellbeing in the Nordic Countries: Critical perspectives on the world's best working lives*. Routledge.

Iacono, R. (2018). The Nordic model of economic development and welfare: Recent developments and future prospects. *Intereconomics*, 53(4), 185-190.

IMF. 2021. *World Economic Outlook 2021/10: Recovery During a Pandemic. Health Concerns, Supply Disruptions, and Price Pressures*. Washington, DC: International Monetary Fund, Publication Services. <https://www.imf.org/en/Publications/WEO/Issues/2021/10/12/world-economic-outlook-october-2021>

Jakobsen, P. V. (2009). Small states, big influence: The overlooked Nordic influence on the civilian ESDP. *JCMS: journal of common market studies*, 47(1), 81-102.

Kangas, O., & Kvist, J. (2018). Nordic welfare states. In *Routledge handbook of the welfare state* (pp. 124-136). Routledge.

Kangas, Olli, and Jon Kvist. "Nordic welfare states." In *Routledge handbook of the welfare state*, pp. 124-136. Routledge, 2018.

Kettunen, P. (1999). A return to the figure of the free Nordic peasant. *Acta Sociological*, 42 (3): 259- 269.

Koivunen, A., Ojala, J., & Holmén, J. (2021). *The Nordic Economic, Social and Political Model: Challenges in the 21st Century* (p. 272). Taylor & Francis.

Kröger, T. (2019). Local government in Scandinavia: autonomous or integrated into the welfare state? In *Social care services: The key to the Scandinavian welfare model* (pp. 95-108). Routledge.

Larsen, H. (2020). Foreign Policy New Directions in a Changing World Order? in Christiansen, P, M., Elklit, J., & Nedergaard, P, (Eds) *The Oxford Handbook of Danish*



- Politics. Oxford university press. DOI:10. 1093/oxfordhb/9780198833598. 013. 27. pp: 470-487.
- Larsen, H. G., & Marklund, C. (2022). Sublimated expansionism? Living space ideas in Nordic small-state geopolitics. In *Socio-Spatial Theory in Nordic Geography: Intellectual Histories and Critical Interventions* (pp. 15-30). Cham: Springer International Publishing.
- Lister, R. (2009). A Nordic nirvana? Gender, citizenship, and social justice in the Nordic welfare states. *Social Politics: International Studies in Gender, State & Society*, 16(2), 242-278.
- Ljungberg, Jonas and Lennart Schön (2013), "Domestic Market and International Integration: Paths to Industrialization in Nordic Countries", *Scandinavian Economic History Review* 61(2).
- Marcussen, M. (2016) *Diplomati: Et portræt of den danske udenrigstjeneste*. Copenhagen: Hans Reitzels.
- Martela, F., Greve, B., Rothstein, B., & Saari, J. (2020). The Nordic exceptionalism: What explains why the Nordic countries are constantly among the happiest in the world. *World happiness report*, 129-146.
- Martela, F., Greve, B., Rothstein, B., & Saari, J. (2020). The Nordic exceptionalism: What explains why the Nordic countries are constantly among the happiest in the world. *World happiness report*, 129-146.
- Maurer, Andera. (2021). *Handbook of Economic Sociology for the 21st Century*. Springer. *Nationaløkonomisk Tidsskrift* 2012(150): 42– 71.
- Nedergaard, P., & Wivel, A. (Eds.). (2018). *The Routledge handbook of Scandinavian politics*. London: Routledge.
- Nielsen, S. L. (2012) *The Danish Foreign Service: Does Export Promotion Lead to Higher Exports?*
- Norlén, G., Randall, L., Sánchez Gassen, N., Tapia, C., Bogason, Á., Cuadrado, A., ... & Wøien Meijer, M. (2022). *State of the Nordic Region 2022*.
- Portes, A. (2010). *Economic sociology*. Princeton University Press.
- Rasmussen, M. B. (2022). Farmers and the Origin of the Welfare State: Evidence from 308 Roll Call Votes between 1882 and 1940☆. *Scandinavian Political Studies*, 45(2), 202-226.
- Schubert, K., Villota, P. de and Kuhlmann, J. (Eds) (2016), *Challenges to European Welfare Systems*, Springer International Publishing, Heidelberg u.a.
- Smelser, N. J. (2013). *The sociology of economic life*. Translated by Mohsen Kolahchi, Tehran: Kavir publication. (In Persian).
- Smelser, N. J., & Swedberg, R. (2005). *Introducing economic sociology*. The handbook of economic sociology, 2, 3-25.
- Smelser, N. J., & Swedberg, R. (Eds.). (2010). *The handbook of economic sociology*. Princeton university press.
- Solesvik, M. Z. (2017). The Triple Helix model for regional development and innovation: Context of Nordic countries. In *Forum Scientiae Oeconomia* (Vol. 5, No. 4, pp. 5-21). Wydawnictwo Naukowe Akademii WSB.
- Sørensen, Ø., & Stråth, B. (1997). *The Cultural Construction of Norden*
- Sørensen, Ø., & Stråth, B. (1997). *The cultural construction of Norden*.



- Stephens, J. D. (1996). *The Scandinavian welfare states. Welfare States in Transition* Sage, London.
- Stråth, B. (2018). The cultural construction of equality in Norden. *Egalitarianism in Scandinavia: Historical and Contemporary Perspectives*, 47-64.
- Sverdlik, Yevgeniy (2018), "Facebook Data Center Investment in Sweden Nears
- Swedberg, R. (2018). *Max Weber and the idea of economic sociology*. Princeton University Press.
- Swedberg, R., & Granovetter, M. (2017). *Economic sociology: Social construction and economic action*. Translated by: Ali Asghar Saeedi. Tehran: Teesa Publication. (In Persian).
- Syvetsen, T., Mjøs, O., Moe, H., & Enli, G. (2014). *The media welfare state: Nordic media in the digital era* (p. 165). University of Michigan Press.
- the Welfare State*, Oxford University Press, Oxford, New York.
- the Welfare State*, Oxford University Press, Oxford, New York.
- Titmuss, R. (2019). *Essays on the welfare state (reissue)*. Policy Press.
- Van Kernbergian, K. (2020). *The changing meanings of the welfare state: Histories of a key concept in the Nordic countries*.
- Wincott, D. (2001), "Reassessing the Social Foundations of Welfare (State) Regimes", *New Political*
- Wivel, A. (2018) Forerunner, follower, exceptionalist or bridge builder? Mapping Nordicness in Danish foreign policy. *Global Affairs*, 4(4-5), 419-434, DOI: 10.1080/23340460.2018.1557016.
- Wu, L., Adebayo, T. S., Yue, X. G., & Umut, A. (2023). The role of renewable energy consumption and financial development in environmental sustainability: implications for the Nordic Countries. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 30(1), 21-36.
- Wu, C. and R. Wilkes (2018), "Finding critical trusters: A response pattern model of political trust", *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 59/2, pp. 110-138, <https://doi.org/10.1177/0020715218761520>